

چشم انداز معیشت مردم در ۱۴۰۱ «وظایف کمونیست ها»

مظفر محمدی



به گفته ی دولت ریسی بودجه ۱۴۰۱ کسری هنگفتی دارد. ارز دولتی برای تامین نیازهای اساسی اقلام غذایی و دارو حذف شده است. قرار بود اقبال ضعیف و متوسط جامعه در تامین نیازهای اساسی، حمایت شود. اما همین ارز ترجیحی قبلا هم تماما به این عرصه اختصاص داده نشد. در این مدت کالاهای اساسی و دارو نه تنها ارزان نشد بلکه حتی برای مقطع کوتاهی هم قیمت ها ثابت ماند. در نتیجه، حذف ارز دولتی هم فرقی به حال معیشت مردم نداشته است.

قیمت اقلام غذایی و دارو از ۲ تا ۶ برابر افزایش دارند. دولت مردان از تورم ۶۰ درصدی مواد غذایی برای امسال خبر می دهند. این در حالی است که حداقل ۵۰ قلم کالاهای اساسی ۸۰ تا ۱۰۰ درصد تورم دارد. وزارت کار می گوید بیش از یک سوم جمعیت ایران در فقر مطلق هستند و به همان اندازه هم زیر خط فقر زندگی می کنند. یعنی جمعا شصت میلیون. دولت جدید ریسی و دوروبریانش راه برون رفت جامعه از فقر مطلق و فلاکت را اعزام طلبه ها به حوزه اقتصاد و کمک گرفتن از نهادهایی چون کمیته امداد و سازمان بهزیستی می دانند. ریسی که به اندازه ی یک گاو از اقتصاد می فهمد، جامعه را مسجد و معیشت را ذکات و فطر و سهم امام و آس نذری می داند و همینقدر از اقتصاد بلد است. همه از دوست و دشمن بر این باورند که اگر تورم کنترل نشود، افزایش حقوق هر چه باشد تاثیر جدی در معیشت اکثریت حقوق بگیران و مردم زیر خط فقر و «فقر مطلق» ندارد.

در زمینه بهداشت و درمان وضعیت کماکان تداوم و افزایش خطر مرگ و میر را نشان می دهد. وزارت بهداشت و درمان می گوید از ارز دولتی که شامل تامین دارو هم می شد، فقط یک چهارم برای این هدف خرج شد و سه چهارم آن جاهای دیگر هزینه شد. قیمت خدمات درمانی از ویزیت دکتر و مخارج بیمارستان و قیمت دارو بیش از ۸۰ درصد افزایش یافته است. سازمان بیمه تامین اجتماعی داروهای اساسی را از لیست حذف کرده است. ویزیت دکتر شامل بیمه نمیشود. دکترها برای تهیه دارو بیماران را به بازار آزاد «سیاه» ارجاع می دهند. وزارت بهداشت اعلام کرده که قیمت داروی وارداتی ۶ برابر و قیمت داروی ساخت داخل ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. گزارشات مدیای دولتی می گویند، کارتل های اقتصادی و کسانی که بازار دارو را در دست دارند آن را به کشورهای همسایه قاچاق می کنند. ... صفحه ۴

- کارگران جهان متحد شوید!

متن سخنرانی افتتاحیه

رفیق آذر مدرسی

کنگره دهم حزب کمونیست کارگری

حکمتیست (خط رسمی)



یکبار دیگر به همه رفقا و به هیئت حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان برای حضورشان در کنگره خوش آمد می گویم. امیدوارم این دو روز بتوانیم با دستوراتی که در مقابل خود گذاشته ایم و با نگاهی به اوضاع دنیا و ایران، اولویت های دو سال آتی حزب را تعیین کنیم و حزب را به جایی که از ما توقع میرود و خودمان توقع داریم، ببریم و برسانیم.

فکر می کنم امروز نمیشود در مورد هیچ مسئله سیاسی در دنیا حرف زد، بدون اینکه به شرایط جدیدی که جهان در آن قرار گرفته اشاره کرد. شما نمی توانید در مورد مسئله معیشت، چه در ایران، چه در اروپا، چه در افریقا صحبت کنید بدون اینکه به اتفاق بزرگی که در یک ماه گذشته در سطح جهان اتفاق افتاده است، صحبت کنید. حمله روسیه به اوکراین و اسپین و استفاده سیاسی که دول غربی از این مسئله کردند، چرخشی که در اوضاع جهانی پیش آمد، تاثیرات و عواقب آتی این اتفاق بر جامعه بشری از افریقا تا روسیه، آمریکا، چین و ایران و چنان وسیع است و چنان ابعاد عمیقی دارد که نمیتوان در مورد هیچ مسئله ای صحبت کرد بدون اینکه به اوضاع امروز دنیا نگاه کرد. باید بر متن این شرایط جدید در مورد مبارزات، اعتراضات، جدال های طبقاتی، کشمکشهای جهانی و یا محلی، در مورد جدال طبقه کارگر ایران با بورژوازی حاکم در آنجا، در مورد جدال بورژوازی حاکم در غرب با طبقه کارگر و صحبت و تحلیل کرد. در همین یک ماه این اتفاق تاثیرات بسیار عمیقی بر اوضاع جهانی گذاشته است. فقط یک ماه از این جنگ و این حمله میگذرد، ولی ما شاهد چرخش و عواقب جدی، در همه ابعاد آن، در دنیا هستیم از تاثیرات آن بر گسترش گرستگی وسیع و میلیونی، که امروز دامنگیر مردم در افریقا شده است، از خطر قحطی، از گرانی و رشد تورم در کشورهای غربی، از جنگ اقتصادی بورژوازی غرب علیه نه فقط مردم روسیه، بلکه تمام بشریت، از کشتار و قربانی شدن مردم اوکراین، برای کشمکش های درونی قطبهای بین المللی، تا سرنوشت برجام و جدال طبقه کارگر ایران با بورژوازی، تاثیر آن بر صف بندی، موقعیت و یا سیاست نیروهای سیاسی و به راست چرخیدن جریاناتی که به اسم چپ، حداقل در غرب شناخته شده اند، همه و همه از تاثیرات این جنگ و سیاستهای قطبهای جهانی طی این یک ماه است.

می شود در مورد این جنگ، در مورد دلایل حمله روسیه به اوکراین، سیاست دول غربی، تاثیرات و عواقب این اوضاع در تجدید آرایش جهانی و با جزئیات صحبت کرد، و ما طی این مدت تلاش کردیم در مورد آن از دلایل تا پیامد های آن بگوئیم و بنویسیم. ما از همان ابتدا گفتیم این فقط یک جنگ در اوکراین نیست، چیزی که امروز همه میگویند. گفتیم این فقط حمله روسیه به اوکراین و قربانی کردن مردم اوکراین و حتی روسیه نیست، بلکه یک تغییر در روند اوضاع جهانی است. ... صفحه ۲

بزن و در رو!

(در حاشیه تعرض اخیر جمهوری اسلامی به زنان)

اطلاعیه حزب حکمتیست (خطر رسمی)

آزادی برابری حکومت کارگری

گفتیم این جنگ زمینه ساز یک بازگشت به دوره جنگ سرد، به یک «مک کارتیسم» عریان دیگر در جهان، یک تعرض به آرمانخواهی، یک تعرض به برابری طلبی، یک تعرض وسیع و شنیع به کمونیسم خواهد شد. گفتیم به بهانه حمله روسیه به اوکراین تعرضی وسیع و سازمانیافته به کمونیسم و هر چیزی که بویی از سوسیالیسم و عدالتخواهی برده باشد، صورت میگیرد. امروز میبینیم که جهان حتی در دوره جنگ سرد شاهد این درجه از ناسیونالیسم اروپا محور و غرب محور نبوده.

اگر ما در دوره ۱۱ سپتامبر شاهد این بودیم که «افغانستانی» بودن و «مسلمان» بودن جرم بود و کسی جرات نمی کرد بگوید «من مسلمانم» چون بلافاصله با القاعده ای که مخلوق خود غرب بود، تداومی می شد. امروز «روس» بودن جرم است، طرح اینکه از هر روسی که وارد انگلیس می شود برای «کمک به مردم اوکراین» جریمه بگیریم، نمونه کوچکی از این مسئله است. به بهانه این جنگ دارند کمونیست بودن را دوباره جرم می کنند. معلوم نیست چرا حمله روسیه به اوکراین، باید باعث پایین کشیدن عکسهای مارکس در امریکا بشود؟! معلوم نیست چرا حمله پوتین به اوکراین باید باعث تعرض به کمونیستها و فاشیستی ترین تعرض علیه هر درجه از آزادی خواهی شود؟! معلوم نیست چرا به دلیل حمله روسیه به اوکراین باید ورزشکاران، هنرمندان، ادبا و موسیقی دانان روسی از حضور در مسابقات محروم شوند و حتی از کار اخراج شوند؟!.

معلوم نیست چرا باید در اثر حمله روسیه به اوکراین، مردم افریقا را به فقر کشید، مردم اروپا را زیر فشار تورم و گرانی له کرد و علیه مردم روسیه جنگی اقتصادی به راه انداخت و آنها را به فقر کشاند؟! اینها نتایج «طبیعی» و خودبخودی با اتوماتیک آن حمله نبود، غرب می توانست این کار را نکند، مجبور نبود با تحریم اقتصادی روسیه، کمر طبقه کارگر را در خود غرب بشکند. ولی این تصمیم آگاهانه را گرفتند و تلاش می کنند از این جنگ بیشترین استفاده را برای احیای نظام گنبدیده و فاسد بورژوازی در جهان و تمام نهادهای ارتجاعی آن کنند و کردند. از این جنگ برای احیا «ناتو»، برای رشد میلیتاریسم در غرب، برای رشد ناسیونالیسم و فاشیسم، که اولین کانونش خود اوکراین است، استفاده کردند. «استفاده هایی» که دود آن در چشم مردم جهان میرود. امروز اروپا از ترس رشد فاشیسم در اوکراین است که دست رد به حضورش در اتحادیه اروپا می زند و قبول نمی کند که کانون فاشیسم، به قول خودشان «ارتجاع سفید»، را وارد اروپای واحد کنند. تبلیغاتشان را کنار بگذاریم، دلسوزی های ظاهری و اشک تمساح ریختن برای مردم اوکراین بگذاریم کنار، اتفاقی فکر شان از مخاطرات اوکراین فاشیست و بار دیگر قدرت گیری ارتش آزوف و غیره حرف می زند.

همه اینها نتایج «طبیعی» آن حمله نبودند!! اگر یک قدرت کمونیستی در دنیا وجود داشت، میتوانست بر آن تاثیر بگذارد. اگر فقط یک قدرت کمونیستی در دنیا موجود بود، میتوانست در مقابل این عقبگرد سیاسی، در مقابل این میلیتاریسم و تعرض به زندگی میلیونها انسان سدی ببندد. هیچکدام از اینها، این فاشیسم عریان، این ضدیت با کمونیستها و تعرض به کمونیست ها، این فقر، هیچکدام نتیجه طبیعی آن جنگ نبود. جنگ را بهانه ای کردند برای احیای پیکر گنبدیده و پوسیده دموکراسی غربی، جنگ را بهانه ای کردند برای دمیدن بر میلیتاریسم و ناتو و احیای ناتو در جهانی که همه از مرگ ناتو حرف میزدند، جنگ را بهانه ای کردند برای سرپوش گذاشتن بر بن بست اقتصادی کاپیتالیسم که دیگر همه از آن حرف میزدند. فقر تحمیل شده به جامعه و به میلیونها انسان در جامعه بشری را به گردن روسیه و تحریم اقتصادی روسیه انداختند و توجیه کردند و تلاش کردند که مستمسکی برایش پیدا کنند و یک بار دیگر این لاشه گنبدیده کاپیتالیسم و میلیتاریسم را در جهان احیا کنند.

تاثیر این اوضاع بر نیروهای سیاسی را نگاه کنید. نیروهای سیاسی «چپ» در غرب همه رفته پشت ناتو، از چامسکی گرفته که ناسیونالیسم عجیبی را از خود نشان می دهد تا احزاب چپ! حزب «لیبر» انگلیس رسماً اعلام میکند که اگر کسی علیه ناتو حرف بزند اخراجش می کنند، حزب چپ آلمان اعلام میکند که باید ناتو را تقویت کنیم. میلیارد ها دلار برای بالا بردن هزینه نظامی را تصویب می کنند. چپ در اروپا و در جهان مثل جنگ جهانی دوم رفت پشت بورژوازی راست، رفت پشت بورژوازی حاکم در دول غربی، در ایران هم به همین شکل، «چپ» به بهانه اینکه جمهوری اسلامی به روسیه نزدیک است دنبال ناتو افتاده اند و امروز که تعرض وسیع راست افراطی و رشد نژادپرستی را میبینند، یکی یکی خود را به کوچه علی چپ می زنند و داد و بیداد میکنند که «به کمونیست ها حمله نکنید!». و تعجب میکنند که چرا اوضاع اینطور شد؟ چرا به دوره جنگ سرد برگشتیم؟ ما سه حزب کمونیست کارگری در منطقه (حکمتیست (خط رسمی)، حزب کمونیست کارگری عراق و حزب کمونیست کارگری کردستان)، اولین جریاناتی بودیم و

می توانم به جرات بگویم تنها جریانی بودیم که دلایل این جنگ را بررسی کردیم و پیامدهای آن را هشدار دادیم. به بیانه مشترک مان نگاه کنید. گفتیم میلیتاریسم رشد می کند، گفتیم ناسیونالیسم اروپا محور رشد می کند، گفتیم ضدیت با کمونیسم رشد می کند، گفتیم بازگشت به جنگ سرد و تبلیغات جنگ سردی علیه کمونیسم دوباره احیا می شود و امروز یک ماه گذشته داریم می بینیم که چه اتفاقی افتاد. من ندیدم، شاید من بی اطلاع هستم ولی من ندیدم هیچ جریانی که به خودش میگوید چپ و کمونیست، مثل این سه جریان روشن گفته باشه که ماجرا چیست و مخاطراتش را گفته باشد و روند های آتی آنرا تشخیص داده باشد. این تشخیص دادن فقط این نیست که انسانهای خوش فکری هستیم، عمق مارکسیسم این سه جریان است که باعث می شود بتوانند اوضاع را تشخیص دهند و دنبال فضای دست ساز میدیا و دولتها نیفتند و «لغزش» نکنند. عمق مارکسیسم این جریانات است که به آنها این امکان را می دهد فارغ از تمامی تبلیغاتی که کثیفی که راه افتاده، ببینند که چه اتفاقی می افتد، ببینند این اتفاق چه تاثیری بر جهان می گذارد. هنوز ما در ابتدای کار هستیم، من فکر می کنم ما هنوز باید روی تاثیرات آتی و پیامدهای آتی این واقعه بیشتر حرف بزنیم و بیشتر بگویم و بیشتر خودمان را آماده کنیم. چه در سطح بین المللی، چه در سطح کشورهای خودمان.

این اتفاق مثل هر جنگ دیگری نیست که بر مبارزه ما در جغرافیایی که هستیم، بر مبارزه طبقه کارگر علیه بورژوازی در آن جغرافیایی معین بی تاثیر باشد. تا جایکه به فضای ایران برمیگردد، این جنگ و فضای فاشیستی آن ناسیونالیست ها و فاشیست های ایرانی را شارژ کرده است. امروز به «یمن» این فضا، بی افقی و استیصال و بی دورنمایی خودشان را زیر پرچم ضدیت با کمونیسم و دامن زدن به ناسیونالیسم و پرو غربی و پرو ناتوی شدن، مخفی میکنند. نگاه بکنید ببینید چی می گویند؟ احساس می کنند که احیا شده اند ولی فقط احساس است. به نظر من اینها برای احیای این ناسیونالیسم و ضدیت با کمونیسم در ایران شانس زیادی ندارد. بورژوازی حاکم در ایران هم تلاش میکند از این شکاف و کشمکش بیشترین استفاده را کند. تلاش می کند با موفق کردن «برجام»، با بیرون آوردن سپاه پاسداران از لیست تروریست ها، با گرفتن پول های قدیمی و آزاد کردن گروگان هایی که از غرب گرفته، به یک درجه ای خود احیا بکند، یک درجه ای برای خودش فرصتی بخرد و یک درجه در مقابل طبقه کارگر و مردم محرومی که مدت هاست آمده اند و می گویند تو را کنار میگذاریم، خود را تقویت کند.

اینجا دیگر به عنوان یک حزب کمونیستی در آن جامعه فقط تحلیل درست کافی نیست، فقط دیدن روند ها کافی نیست. باید سیاست روشن داشت، باید گفت چگونه اجازه ندهیم این اوضاع شرایط مبارزه را به ضرر من تغییر دهد. امکاناتم برای اینکه اجازه ندهم این موج ضد کمونیستی، این موج ضد آرمان سوسیالیسم و این موج ضدیت با هر درجه از آزادی خواهی و برابری طلبی در ایران شانس نداشته باشد، چه هست. ما امکانات و موقعیت بسیار بسیار برجسته ای داریم. به نظر من، ما یکی از کشورهایی هستیم که به خاطر قدرت جنبش مان، به خاطر نفوذ کمونیسم در آن می توانیم جلوی این تعرض را بگیریم. نیروهای راست هر چقدر که میخواهند به بهانه این جنگ، و ضدیت با روسیه، که سالها است ادعای کمونیسم بودن را ندارد، کمونیسم حمله کند، اما شانس برای به راست چرخاندن فضای سیاسی جامعه ندارد. جامعه ایران سالهاست کمونیسم را با حزب توده و جریانات پرو روس یا پرو چین تداومی نمیکنند. سال هاست که اینها را به عنوان جریانات راست و بورژوازی، کنار گذاشته اند. سالهاست که کمونیسم خود را طوری دیگری تعریف می کند و خود را با یک جنس و رگه از کمونیسم، کمونیسم مارکس، تداومی می کند. برای همین است که شما شاهد بازارگرایی زیادی برای تبلیغات ضد کمونیستی نیروهای راست در جامعه ایران نیستید. جامعه ایران مثل غرب مرعوب این فضای ضد کمونیستی نشد و هنوز جدال خود را ادامه می دهد، و علیرغم هر هیاهویی که میکنند، اینکه «برجام متحقق می شود»، فلان می شود و بهمان می شود و «جمهوری اسلامی دارد قوی می شود» و شما شاهد پایین کشیده شدن شعله مبارزات و اعتراضات نیستید. به نظر من آن جامعه خودآگاهی بسیار عمیق تری از اینها دارد. رادیکالیسم و کمونیسم و برابری طلبی در این جامعه ریشه های بسیار عمیق تری دارد و از این زاویه شانس کمونیست ها برای اینکه مهر خود را به آینده جامعه ایران بزنند بسیار بسیار بالا است. شاید پر شانس ترین نیرو در آن جامعه هستند که می توانند مهر خود را بر آینده جامعه ایران بزنند. ولی مثل همیشه گفته ایم که این جاده یک جاده آسفالت نیست، بورژوازی هر چقدر که زمین بخورد به عنوان یک جریان جدی، شانس دوباره بلند شدن را پیدا می کند، بعضی ها می گویند بورژوازی ایران عجب شانس دارد، این جنگ شروع شد و خود را دوباره احیا می کند. اگر این جنگ هم نبود تلاش می کرد راهی برای بقا پیدا کند. ... ادامه در صفحه بعد

بورژوازی با یک تعرض از بین نمی رود، شکست می خورد ولی دوباره بلند میشود همانطور که ما کمونیستها دوباره بلند می شویم. همانطور که نمی توانند ما را نابود کنند، همانطور که نمیتوانند کمونیسم را در هیچ جامعه ای ریشه کن کنند. طبقات و جنبشهای آن به این سادگی میدان را خالی نمیکند.

کمونیسم، طبقه کارگر و ما به عنوان یک جریان متحزب این جنبش، نه فقط به ادعای خودمان، به شاهی تمام مولفه هایی که در آن جامعه نگاه می کنیم، شانس بالایی برای زدن مهر خود بر تحولات آتی در ایران داریم. ولی ندیدن مخاطرات می تواند ما را زمین بزند، ندیدن مخاطرات و تأثیرات این اوضاع جهانی بر سیر رویدادها و سیر تحولات و جدال طبقاتی در ایران، استفاده ای که بورژوازی در قدرت و بورژوازی در اپوزیسیون، از این اتفاق برای عقب زدن طبقه کارگر می کنند، به اسم جدال با هم بر سر آینده بهتر یا حفظ وضعیت موجود، از پا نمی نشینند. بورژوازی، از اپوزیسیون تا بورژوازی در قدرت، درست مثل بورژوازی غرب کفش و کلاه کرده اند که بیشترین استفاده را از این اتفاق ببرند برای اینکه طبقه ما را عقب بزنند، جنبش ما را عقب بزنند و بیشترین تعرض را به ما کنند. برای اینکه مبارزه برای نه فقط سرنگونی جمهوری اسلامی، بلکه انقلاب کارگری را به عقب بیندازند. جاده پیشروی و پیروزی، یک جاده آسفالت نیست و به نظر من کاری که کنگره باید بکند، باید با علم به این اوضاع، شانس خود را برای پیروزی، شانس خود را برای قدرت گرفتن، شانس طبقه کارگر برای قدرت گرفتن را ببیند، مخاطرات امروز را ببیند و بگوید چگونه می توان در مقابل این ها بایستیم.

فکر می کنم این آن مسئله ای است که کنگره باید تمرکز خود را روی آن بگذارد و این توقعی است که بیرون از ما دارند، توقع کسانیت که سیاست را تعقیب می کنند، از کارگر تا روشنفکر، معلم، تا زن آزادخواه، وقتی که به صحنه سیاسی و احزاب، حداقل در ایران نگاه می کنند، می بینند و می گویند تنها جریانی که درست حرف زد و ایستاد و همه وقایع را دید و همه تأثیرات را دید، شما بودید. انتظار دارند که از تحلیل مارکسیستی به پراکتیک عظیم تر و به پراکتیک سازمان یافته تر برویم و حضور اجتماعی قوی تری داشته باشیم، دست و پایمان را، چه ما به عنوان حزب و چه طبقه ما به عنوان طبقه بیشتر از این دراز کنیم.

ما نه به خاطر اینکه «خون پاک ایرانی» در رگهای مان هست، بلکه به خاطر طبقه ای که در آن جامعه وجود دارد و کمونیسم عجین شده با این طبقه، شانس داریم، شانس داریم که در این دنیای سیاه نیرو و نور امید طبقه کارگر ایران می تواند نور امید باشد اگر ما در کنار طبقه کارگر و در راس مبارزاتش، بتوانیم این موج را عقب بزنیم، امکانات مان زیاد است ولی اینطور نیست که بی مانع هم هستیم، من فکر می کنم که کنگره و حزب بعد از این کنگره باید با علم به این اوضاع سریعترین، عاجل ترین وظایف خود را برای ابراز وجود طبقه کارگر و تامین هژمونی آن در ایران و تأثیر گذاشتن در روند جهانی، تأثیر گذاشتن بر مقابله با این کمونیسم ستیزی، تعریف کند.

امیدوارم و خوش بین هستم به اینکه کنگره با بحث هایی که دارد می تواند در این جهت تمرکز کند و یک بار دیگر نشان دهد ما فقط نماینده استقلال سیاسی طبقاتی در سطح تحلیل نیستیم، ما نماینده استقلال سیاسی طبقاتی طبقه کارگر در سطح صرفاً اعلام سیاست نیستیم، بلکه مثل الان و بسیار بسیار با قدرت تر از الان در عرصه اجتماعی، در پراکتیک مبارزه طبقاتی و در جدال طبقاتی، این استقلال را نمایندگی می کنیم و یک نور امیدی را در این جهان سیاه به معرض نمایش میگذاریم و امیدی را در دل طبقه کارگر چه در ایران و چه در جهان به وجود میآوریم.

۲۶ مارس ۲۰۲۲ (۶ فروردین ۱۴۰۱)

با تشکر از رفیق آسو سهامی برای پیاده کردن متن سخنرانی

بزن و در رو!

(در حاشیه تعرض اخیر جمهوری اسلامی به زنان)

به موازات صدور حکم بستن مدارس دخترانه توسط طالبان در کابل، روز چهارشنبه گذشته نیز در حاشیه بازی فوتبال تیمهای ایران و لبنان در مشهد، جمعیت بی شماری از زنان توسط ماموران انتظامی و لباس شخصی مورد هجوم اسپری فلفل قرار گرفتند و مانع ورود زنان به استادیوم شدند. واکنش مسئولان حکومتی و کاربران حزب الله به این تعرض بسیار جالب بود؛ همه ناگهان خود را به بیراهه زدند و پز «منتقد» به خود گرفتند. محسن داوڑی، فرماندار مشهد، بدون اشاره به تعرض و استفاده از گاز فلفل علیه زنان، تنها از این که به گفته وی «بیشتر از ظرفیت ورزشگاه» بلیط به فروش رسیده بود، از افرادی که نتوانستند با وجود بلیط، بازی را از نزدیک تماشا کنند، عذرخواهی کرد. وی بدون اشاره به این تعرض علیه زنان تنها گفت که «حواشی» مربوط به خارج از ورزشگاه «در حال پیگیری است و نتیجه پیگیریها به اطلاع مردم خواهد رسید». برخی از کاربران موسوم به جریان حزب الهیهای «عدالتخواه» هم «پاک و منزه» همزمان که مشامشان را برای شناسایی معتزین در صفوف مردم تیز می کردند به نشان اعتراض دهان باز کردند که «اسپری فلفل اقدام امنیتی نیست، زدن سیلی زیر گوش امنیت روانی جامعه است».

در ادامه این تعرض به زنان در مشهد، همزمان نیز احضار، تهدید، زندان و فشار بر خوشنامترین رهبران مردمی و فعالین کانونهای صنفی معلمان و بازنشستگان ادامه دارد. ژاله روحزاد، معلم بازنشسته و همسر اسماعیل گرامی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به دادگاه انقلاب احضار شده است. چند رو پیش هم صدها بازیگر و کارگردان زن در بیانیه ای بی سابقه «خشونت سیستماتیک» علیه زنان را به چالش کشیدند و خواستار برخورد جدی با متخلفان شدند. واقعیت اینست که از بالا تا چفیه بهدوشهای پایین این نظام، یک هدف را دنبال می کنند: «بزن و در رو!» این تمام استعداد این نظام است که جز با حربه تبیض و سرکوب و از قضا با تعرض به حقوق زنان نطفه های آن بعد از انقلاب ۵۷ بسته شد. امروز ظاهراً طالبانیزه کردن افغانستان و ایجاد فضای جنگی در اوکراین دستاویزی برای نشان دادن چنگ و دندان ارتجاع اسلامی به صفوف مردم آزادی خواه و برابری طلب در ایران و منطقه شده است. با تعرض به زنان، دارند قدرت تخریبشان را در بحرانی ترین دوران عدم مشروعیت خود تست می کنند. دار و ندارشان را به صحنه آورده اند و مشغول روحیه دادن به پادوها و به مزدوران بزدل امنیتی خود تحت نام «نماینندگان مردم» اند. همه از بالا تا پایین این نظام مشغول روحیه دادن به هم و چشمک زدن به حضور مجدد طالبان هستند. به نوعی خیال می کنند می توان جامعه ایران را به دهه های خونی ۶۰، تیغ زدن ها و اسیدپاشی های وسیع به صورت زنان همراه با کشتارهای دسته جمعی آزادی خواهان و کمونیست ها برگرداند. فکر می کنند این نسل را می توان مرعوب جنگ در اوکراین و حاکمیت طالبان کرد و به خانه فرستاد. اینها مقاومت و مبارزه امروز طبقه کارگر ایران برای آزادی و برابری را دست کم گرفته اند؛ گور خود را روز به روز عمیق تر می کنند. درجه ای انزجار و نفرت مردم آزادی خواه از ایدئولوژی، تفکر و بنیادهای اسلامی و مذهبی را بالا می برند. نفت روی جرقه های شورش و تسخیر قلعه های کاخ نشینان می ریزند. مذهب زدایی و اسلام زدایی را به جلوی صحنه می رانند. باریکدبندی های ضد مذهبی را خشت به خشت بنا می کنند؛ خواست فوری برابری زن و مرد را در ذهن هر جنبنده ای می کارند. لغو آپارتاید جنسی و به گور سپردن چهره ی کریه ستمکشی زن را به صدر کیفخواست طبقه کارگر و میلیون ها شهروند جامعه ایران می رانند. این جامعه و این نسل پرشور قرن بیست و یکمی محال است مقهور طالبان ها چه در ایران و چه در افغانستان شود. محال است این نسل را به بهانه های بازگشت طالبان و فضای جنگی در جهان به تن دادن به زندگی در زیر قوانین کثیف اسلامی قانع کرد. محال است این نسل مرعوب اسیدپاشی ها، تیغ زدن ها، زندان ها و عر و تیزهای مشتکی گانگستر اسلامی و قرون وسطایی شود. این نسل هر تعرض این نظام را با ده ها تعرض از پایین و با باریکدبندی های آزادی خواهانه و برابری طلبانه خود پاسخ می دهد. سنجر دفاع از حقوق جهانشمول خود را محکمتر می کند؛ در مقابل توفان میلیونی و رادیکال این نسل، محال است مترسکی به اسم جمهوری اسلامی یا طالبان دوام آورد. این را خودشان بهتر از هر کسی فهمیده اند و تب کرده اند.

مردم آزادی خواه! زنان و مردان برابری طلب!

هدف جمهوری اسلامی از هجوم به زنان و حقوق آنها، بخشی جدی از تلاش برای تعرض سازمان یافته و هویتی این نظام به صفوف پیشرو و رادیکال ماست؛ باید این تعرض را مانند سایر تعرضات دیگر این مرتجعین بزدل در نطفه خفه و خنثی کرد؛ نباید اجازه داد بازگرداندن طالبان به افغانستان و دامن زدن به فضای جنگی در جهان، مستمسکی برای میدان داری ارتجاع اسلامی در ایران و در منطقه شود. باید سیاست سرکوب و خفه کردن مبارزات سراسری و گسترده شهروندان و به شکست کشاندن مطالبات پایه ای آنان حول «رفاه، امنیت و آزادی» را به شکست کشاند. بن بست سیاسی و اقتصادی حاکمیت جمهوری اسلامی در مقابل میلیون ها انسان دردمند در جامعه ایران، کور شدن روزنه های ادامه حیات این نظام امروز بر کسی پوشیده نیست؛ کشمکش و مبارزه دائمی ما مردم با این نظام مدت ها است از محلات زندگی تا مراکز کار شروع شده است. نه بازگشت طالبان به افغانستان، نه دامن زدن رسانه ها به ایجاد فضای نایمن جنگی به بهانه جنگ در اوکراین نمی تواند صفوف به هم بافته و فشرده ما علیه کلیت جمهوری اسلامی را از هم بگسلد. این فاز به سرعت طی خواهد شد؛ مبارزه ی پیگیر و در هم تنیده جنبش رهایی زن در کنار ما سوسیالیست ها و زیر پرچم اداره شورایی جامعه توسط انورهای طالبانی و اسلامی در شرایط امروز را به جمهوری اسلامی نخواهد داد. فرصتی برای سیاست «بزن و در رو»ی حاکمیت باقی نمانده است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ۵ آوریل ۲۰۲۲

بیانیه حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

بخشی هم در بازار سیاه و به اصطلاح آزاد به چند برابر قیمت می فروشند. نتیجه ی این وضعیت برای بیماران و خانواده هایشان اگر کسی ماشینی یا خانه ای داشته باشد برای هزینه درمانی بیمارانشان می فروشد. اگر نه بیماران اکثریت خانواده های کم درآمد و بی درآمد، مرگشان حتمی است. گزارشات واقعی می گویند برای بیشمار بیماران خانواده های محروم، قتل عام عمومی در پیش رو است.

در نتیجه چشم انداز معیشت در ۱۴۰۱ کماکان تشدید فقر و فلاکت و گرسنگی و مرگ و میر عمومی است. انتظار هیچ بهبودی در سطح معیشت مردم وجود ندارد. با فرض رفع تحریم ها و آزاد شدن پول های بلوکه شده هم، خامنه ای آب پاکی بر دست جامعه ریخته است. او گفته پولی صرف واردات و رفع گرسنگی جامعه نمی شود، این پول باید برای زیرساخت ها هزینه گردد. و این یعنی ریختن سرمایه به جیب شرکت ها و نهادهای سپاه و وابسته به بیت رهبری و هزینه ی نیروهای نیابتی درمنطقه است. با امضای برجام ولو سرمایه ای به ایران سرازیر شود، اما این به معنای شکوفایی اقتصاد و رفاه و معیشت کامل مردم نیست. همچنانکه دو پروژه عظیم اقتصادی چین و روسیه در پتروشیمی ها و پارس جنوبی، ریالی به جیب کارگران و زحمتکشان اضافه نکرده است. زمره این که کارگران و سربازان چینی در پروژه اقتصادی بیست و پنج ساله کار و حفاظت می کنند، به معنای ایجاد جزیره ای چینی در یکی از مهم ترین مراکز صنایع ایران است!

امروزه، این سوال در مقابل ما و طبقه کارگر و زحمتکشان و گرسنگان جامعه قرار گرفته است که در چشم انداز سیاه تر معیشت در ۱۴۰۱ چه باید کرد؟ دو خیزش توده ای محرومان و گرسنگان به فاصله دو سال از همدیگر جامعه ایران را تکان داد. جنبش کارگری و جنبش های اجتماعی معلمان و بازنشستگان، صداهای مکرر و مستمر این بخش ها علیه وضع موجود هستند.

با فرض این که بخش پیشرو کارگران در تداوم اعتصابات سازمانیافته ی خود و اعتصاب و اعتراضات معلمان و بازنشستگان به بخشی از خواستهای خود برسند، هنوز به معنای پاسخ به معیشت ۳۰ میلیون انسان در فقر مطلق و به همان اندازه زیر خط فقر نیست. حتی در صورت تحقق مطالبات این جنبش ها، هنوز جواب به زندگی زیر خط فقر خود نیروهای این جنبش ها هم نیست. چرا که افزایش حقوق و دستمزدها، کماکان درمقابل تورم و گرانی تا کنونی و سیر صعودی آن به معنای تأمین معیشت و درجه ای از رفاه همین بخش ها هم نیست.

در پاسخ به سوال چه باید کرد معیاشی وجود ندارد و معجزه ای رخ نمی دهد جز این که تا زمانی که جامعه صاحب واقعی خود را پیدا نکند، گرسنگی، فلاکت و زندگی در فقر مطلق و زیر خط فقر ادامه خواهد داشت.

طبقه کارگر و حقوق بگیران معلم و بازنشسته، بخش متمرکز و سازمانیافته ی جامعه اند. اگر جنبش معلمان و بازنشستگان از بهره گیری از قدرت سازمان سراسری برخوردار است، اما هنوز طبقه کارگر با این قدرت سراسری و همبستگی و هماهنگی بخش های مختلف خود بویژه در مراکز بزرگ صنعتی، فاصله دارد.

طبقه کارگر به معنای طبقه اصلی و نیرومند که سکان تولید و حرکت چرخ های جامعه را در دست دارد، در حقیقت صاحب اصلی جامعه است. هر اندازه اتحاد صفوف طبقه کارگر در سنگر مجامع عمومی منظم و شورا ها تقویت و مبارزاتش گسترده تر و سراسری شود، می تواند بورژوازی حاکم را به چالش بکشد و حاکمیتش را نسبت به وضعیت فلاکتبار جامعه مسوول پذیر و جوابگو کند. در چنین توازن قوایی دو اتفاق مهم می افتد:

یکی این است که خود طبقه به کسب مطالبات فوری و حداکثریش نزدیک می شود.

دوم این که طبقه کارگر سازمانیافته و جنبش سراسری طبقه، معیشت، رفاه و منافع چند ده میلیون انسانی که در فقر مطلق بسر می برند را هم نمایندگی می کند. در چنین شرایط و توازن قوایی، طبقه کارگر به سخنگو و صاحب جامعه تبدیل و نیروی عظیم توده های محروم و اسیر فقر مطلق را حول خود جمع می کند.

عروج سراسری طبقه کارگر و کمونیسم اش در راس مطالبات عمومی، به اعتبار این که سکان اقتصاد و چرخ های جامعه را در دست دارد، تنها امید جامعه و جنبش هایش برای خاتمه دادن به فقر و فلاکت است.

برای طبقه کارگری که عملاً سکان اقتصاد، تولید و خدمات را در دست دارد، تصور این که بتواند قدرت سیاسی و اداره ی جامعه را هم برعهده بگیرد، دور از دسترس نیست. زمانی که پرچم جنبش برای معیشت کل جامعه دست طبقه کارگر بیفتد، نیروی عظیم چند ده میلیونی زیر خط فقر و فقر مطلق را پشت خود خواهد کشاند.

اما این تحول خودبخود اتفاق نمی افتد. هدایت طبقه کارگر و جامعه به این سمت بر عهده کارگران کمونیست و سوسیالیست ها و آزادخواهان صفوف بخش های مختلف جامعه است. تصور این که ما جامعه ای در حال انفجار داریم سخت نیست. بورژوازی حاکم برای مهار این انفجار خود را آماده کرده و نیروهای داخلی و منطقه ای برای مقابله با خیزش های اجتماعی را به مثابه حائلی بین خود و جامعه به صف کرده است. جمهوری اسلامی جز از طریق سرکوب پلیسی و نظامی قادر به حفظ خود نیست. اما هر اندازه سلاح و زرادخانه ی نظامی در مقابل یک جنبش سازمانیافته ی سراسری به رهبری طبقه کارگر و کمونیسم اش، آهن پاره هایی بیش نیستند.

معضل فقر و گرسنگی و تورم و بیکاری و مرگ و میر در ایران علاوه بر تشدید مبارزات حق خواهانه و رفاه طلبانه، راه حل سیاسی دارد. در دل مبارزات و جنبش های جاری باید رژیم را مورد تعرض شدید و بیوقفه قرار داد.

باید به این باور رسید که اتکای طبقه کارگر به مجامع عمومی منظم، سازماندهی شورایی و هماهنگی بین بخش های مختلف طبقه برای سازماندهی مبارزات خود و کل نیروهای جامعه حول معیشت، پیروزی را کم درد و کم دردسزتر خواهد کرد. کمونیست های صفوف کارگران و مردم زحمتکش نه به مثابه آحاد یا جمع های متفرق هر بخش طبقه و جامعه و بدون ارتباط سازمانیافته با همدیگر، بلکه با اتحاد خود در جنبش کمیته های کمونیستی و پایه های حزب سیاسی و توده ای طبقه کارگر ضامن اصلی هدایت جامعه از دل مبارزات رادیکال و مستمر به پیروزی و رفاه و آزادی است. این است و نه هیچ چیز دیگر! چرا که طبقه کارگر بدون کمونیسم اش و بدون سیاستها و راه حل های کمونیستی و حزب کمونیستی خود، نمی تواند به سلطه اقتصادی و سیاسی بورژوازی و چاپیدن داراییهای جامعه توسط استثمار کارگران و مسببین فلاکت جامعه... خاتمه دهد! حزب ما در پیشاپیش این تحول طبقاتی و اجتماعی قرار دارد.

طبقه سرمایه دار و دولتش دستشان تا آرنج به خون مردم آغشته و جیب و شکم شان تا خرخره از نعماتی که طبقه کارگر تولید می کند، پر است. می توان و باید حق جامعه، ثروت جامعه و تولید حاصل کار طبقه کارگر را از حلقوم مفتخوران ستمگر و جنایتکار بیرون کشید و جامعه ای را سازمان داد که تولید نه برای سود سرمایه داران بلکه برای رفاه و خوشبختی عمومی است. جامعه ای که شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری را به عمل در آورده و متحقق می سازد! رهایی از فقر و فلاکت و استبداد، راه میانبری ندارد جز این که کارگران کمونیست و رهبران جنبش های اجتماعی با اتحادی سازمانیافته، خود را برای رهبری و هدایت جامعه برای فشردن حلقوم بورژوازی حاکم و خاتمه دادن به سلطه اش آماده کنند!

کنگره دهم حزب کمونیست (خط رسمی) - حکمتیت (خط رسمی)

از صفحه ویژه کنگره دهم حزب حکمتیت (خط رسمی) دیدن کنید

آزادی برای
حکومت کارگری

معموبات کنگره دهم حزب:

- قرار دربارده حزب حکمتیت (خط رسمی) و مسئله فلسطین
- قرار دربارده ضرورت همکاری به حزب کمونیستی کارگری در تقابل با نالیبرال دحرب جنگ اوکراین
- تلفنامه دربارده انواع سیاسی و انترناتیو کمونیستی
- قرار دربارده حزب حکمتیت (خط رسمی) و اپوزیسیون راست در تحولات آسی
- قرار دربارده نقش کوردستان در تحولات آسی ایران
- قرار در بارده وظایف حزب حکمتیت (خط رسمی) در ارمنه
- مبارزات جاری
- قرار دربارده بحران تحریک محیط زیست ایران
- پیام کنگره دهم حزب حکمتیت (خط رسمی) به مسئله فلسطین
- پیام کنگره دهم حزب به مردم آزادخواه در لبنان، عراق و افغانستان
- پیام کنگره دهم حزب حکمتیت (خط رسمی) به کمونیست ها در ایران

حزب کمونیست کارگری - حکمتیت (خط رسمی)
Worker Communist Party - HeKmatist (Official Line)

heKmatistx heKmatistx heKmatistx heKmatist.com

برای بازدید از صفحه ویژه

کنگره دهم به سایت حزب رجوع کنید:

<http://hekmatist.com>

hekmatist.com

یک دنیای بهتر



برنامه حزب حکمتیست را بخوانید!

تماس با حزب



@Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دفتر کردستان حزب: سهند حسینی

sahand.sabet@gmail.com

کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتک

سر دبیر: فواد عبداللهی

صدای آزادی، صدای برابری



نیانا

پخش برنامه‌های نیانا از کانال یک

برنامه‌های نیانا هر سه شنبه راس ساعت ۵:۳۰ بعد از ظهر به وقت تهران در شبکه تلویزیونی کانال یک پخش می‌شود.

مشخصات ماهواره:

Yahsat W1A

12073 عمودی 27500

Eutelsat W3A

10721 افقی 22000

پخش برنامه‌های نیانا از رادیو طول موج کوتاه

برنامه‌های نیانا هر جمعه راس ساعت ۹ شب به وقت تهران از طریق رادیو طول موج کوتاه پخش می‌شود.

مشخصات موج کوتاه رادیو:

SW 5885

نیانا را در شبکه‌های اجتماعی زیر دنبال کنید:

سایت نیانا

radioneena.com

ساوند کلود

soundcloud.com/radio-neena

اینستاگرام

instagram.com/radioneena

تلگرام

https://t.me/RadioNeenna

فیسبوک

facebook.com/radioneena